

# کودکان را مستقل، و مستکی بخود بار بیآورید

دلسوزیها و محبت‌های بی‌جای پدر  
و مادرها چه فجایعی ببار می‌آورد

کودکان امروزی بمراتب از کودکان ۲۰ تا ۳۰ سال قبل مستقل‌تر بوده و بیشتر بخودمستکی هستند و این چیز است که همه پدر و مادرها، آرزوی آنرا دارند، آنها میخواهند کودکان را مستقل و مستکی به خودشان بار بیآورند. اگر سابقاً پدر و مادرها از فرزندان خود اطاعت، دقت، وقت‌شناسی و نظافت را انتظار داشتند حالا قیل از هر چیز از آنها اعم از پسر یا دختر، میخواهند که بصورت یک فرد مستقل و مستکی بخود پرورش پیدا کنند.

ولی باید دید منظور از یک کودک و نوجوان

مستقل چیست؟

کودکان چهار ساله‌ای هستند که می‌توانند بدون کمک دیگران بند کفش‌های خود را به‌بندند و در مقابل بچه‌های یازده تا دوازده ساله‌ای ده‌پسه می‌شوند که کت یا بلوزشان را نمیتوانند بپوشند و باید مادرشان بآنها کمک کند. پسرهای شش ساله‌ای هستند که اگر بآنها بگویند خوراک اسپاگتی سیوه یک درخت است باور میکنند و دخترهای چهارساله‌ای هم وجود دارند که وقتی در یک عکسی منظره‌ای



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

این سوالی است که همه پدرها و مادرها - می‌خواهند جواب آنرا بدانند و مخصوصاً برایشان شرح داده شود که فرزندانشان را از چه سنی باید متکی بخود بار بیاورند و اصولاً چگونه این کار را انجام دهند ؟

در مورد سن کودک کان و اینکه در چه سنی باید آنها مستقل و متکی بخود شوند نمی‌توان نظر قطعی ابراز کرد زیرا ایجاد این حس در کودک کان بعوامل مختلفی می‌تواند ارتباط داشته باشد که از جمله آنها می‌توان از خصوصیات اخلاقی پدران و مادران و اعتماد بنفس آنها نام برد و بعلاوه حس اعتماد بنفس و استقلال کودک کان، ممکن است نسبت به پاره‌ای موارد کامل باشد و در خیلی از موارد دیگر ضعیف و ناقص .

در اینجا برای آنکه مسئله کاملاً روشن و واضح شود لازمست چند مثال بزنیم .

یک کودک هفت ساله را اگر نتواند به تنهایی لباس خود را بپوشد بدون شک نمی‌توان مستقل نامید ولی همین کودک ممکن است ساعت را بشناسد و بتواند وقت را تشخیص دهد و سر وقت در جایی حاضر باشد یا مثلاً اگر سه چرخه او عیب کوچکی کرد آنرا خودش تعمیر نماید ، این کودک را در این موارد باید کاملاً مستقل دانست ، در اینجا نباید اشتباه بکنیم که مستقل و متکی بخود نبودن معنایش آن نیست که کودک نتواند کاری را انجام دهد بلکه مفهومیست که کاری را انجام ندهد و به انتظار دیگران بماند ، بعبارت دیگر توانایی اینکار را نداشته باشد ولی جرات و رحمت آنرا بخود ندهد .

برای اینکه شما در این مورد کمی روشن‌تر شوید مفهوم استقلال و متکی بخود بودن را در بزرگترها مثل میزیم ، بسیار دیده شده است خانم‌هایی که سفت کردن پیچ‌ها و یا مثلاً درست کردن پریش برق و وسایل دیگر را میداند ولی معمولاً اینکارها را نمی‌کنند و صبر می‌نمایند تا شوهرشان از اداره بیاید

از زمستان، بوته‌گلی را مشاهده کنند ابروهای خود را درهم کشیده و می‌پرسند این گل‌ها در سرمای زمستان چطور درآمده‌اند ؟ نوجوانان ۱۶ یا ۱۷ ساله‌ای هستند که روابط خود را با دوستان پسر یا دختر خود قطع می‌کنند زیرا پدر یا مادرشان از این دوستان آنها خوششان نیامده‌است و در مقابل بچه‌های دهساله‌ای هم دیده شده‌اند که سرکلاس آنقدر جرات و شهامت دارند که از معلم خود انتقاد می‌کنند و از او ایراد می‌گیرند . این تفاوت روحیه و رفتار از چیست ؟ این در حقیقت همان استقلال و اتکاء به نفس است که در هر کودک و نوجوانی بمیزان مختلف موجود است کودک کان را چگونه باید مستقل بار آورد ؟



و اینکار را انجام دهد ، یا چه بسیاری مردهائی که صبحها منتظرند همسرشان آنها را صدا کند تا از خواب بیدار شوند و هیچوقت خودشان اگر زنگساعت را هم بشنوند بیدار نمیشوند این قبیل مردان و زنان هم مانند بچهها متکی بخود نیستند .

### چگونه میتوان کودک را مستقل کرد؟

بهترین راه آموختن حس استقلال و اتکای به نفس، به کودک کان اینست که آنها را در کارها و موارد مختلف وادار به تمرین کنند ، یک کودک وقتسای تمرین کند که وقت را بفهمد بدون شک خودش آشنائی به ساعت پیدا خواهد کرد و میتواند بدون کمک بدیگران وقت را تشخیص دهد ، بهمین ترتیب وقتی کودکی، دوچرخه سوار شود یاد میگیرد که اگر دوچرخه اش دچار عیب و نقص شد آنسرا تعمیر کند . البته این تمرینات هم بخودی خود به جایی نمیرسد و تمرین وقتی بنتیجه میرسد که کسار تمرین شده مورد توجه و علاقه کودک باشد . گناه اینکه برخی از کودکان متکی بخود بار نمیآیند و همیشه در انتظار میمانند که بزرگترها بانها کمک کنند بگردن پدران و مادرانی است که بخاطر محبت و علاقه بفرزندانشان سعی می کنند که همه کارها را خودشان برای آنها انجام دهند و در نتیجه بچهها را متکی بدیگران بار میآورند ولی البته مفهوم مخالف این امر هم درست نیست یعنی پدر و مادر نباید بخاطر آنکه بچههایشان مستقل بار بیایند آنها را بکلی بحال خود رها کنند ، و اینکار هم از نظر پرورشی معایب دیگری خواهد داشت .

### فکر مستقل

برای آنکه کودک کان مستقل بار بیایند باید بتوانند مستقلا فکر کنند و برای اینکار پدر و مادرها باید بچهها را عادت دهند که خودشان در اطراف مسائل و کارها و مشکلاتی که با آن مواجه می شوند فکر کنند و عملا راه حلی برای آن پیدا کنند اگر آنها بطور مستقل و بدون کمک بزرگترها فکر کردند قدم اول در راه استقلال آنها برداشته شده است .

باید تصدیق کرد که در این راه متأسفانه از طرف پدران، مادران خیلی بی دقتی و بی توجهی شده است بطوریکه در میان بزرگترها و نوجوانان هم بسیاری کسانی که عادت نکرده اند خودشان در امور مربوط بخود فکر کنند و همیشه منتظرند که دیگران فکر کرده و بانها بگویند که چه باید بکنند .

پروفسور کارل شمیدت استاد روانشناسی دانشگاه برلین برای آنکه بچهها عادت به فکر بطور مستقل کنند به پدران و مادران این توصیهها را میکند :

\* علاقه خود را به فرزندان نشان ظاهر کنید و به آنها بفهمانید که دوستشان دارید و از همه مهمتر به فکر و هوش آنان اعتماد دارید .

\* با خریدن اسباب بازیهای مناسب و کتابهای ساده فکر بچهها را بکار بیندازید و آنها را وادار کنید که برای حل سرگرمیهای این کتابها و یا درست کردن اسباب بازیها فکر خود را بکار اندازند .

استقلال پیدا کنند .

\* بچه ها را عادت بدهید که از همان کودکی کارهای خود را باعلاقه و دقیق انجام دهند. در یکی از مؤسسات تحقیقاتی دو نوجوان همسال را بعنوان آزمایش پدر دکانی فرستاد تا قیمت سیب را بپرسند اولی برگشت و گفت . ۰۰ ریال ، اما دومی برگشت و گفت کیلوئی . ۰۰ ریال و اگر از ده کیلو بیشتر بخواهید قیمت آن کیلوئی ۴۸ ریال خواهد بود ، بعلاوه اگر تا نزدیک غروب صبر کنید چون دکاندار سیخواهد بخانه اش برود آنرا تا کیلوئی . ۴ ریال هم خواهد داد . این در حقیقت تفاوت بارز تربیت این دو طفل را نشان میدهد که یکی از آنها کارها را سطحی انجام میدهد و دیگری آن کار را با عمق و دقت زیادتیر میکند .

### فاجعه در زندگی آینده

پدران و مادرانی هستند که از روی دلسوزی و محبت بیجا سعی می کنند ، هر کاری را خودشان برای بچه ها انجام دهند ، بخاطر آنکه مبادا آسیبی به بچه ها وارد شود آنها را از بازی کردن و معاشرت با دیگر کودکان منع می کنند ، از ترس آنکه نکنند بچه ها با حادثه ای روبرو شوند آنها را هیچوقت نمیگذارند تنها از خانه خارج شوند و همیشه حتی تا سن ۱۷ و ۱۸ نیز آنها را با خودشان بیرون میبرند ، این پدران و مادران حس استقلال و اتکای بخویشتن را در فرزندانشان میکشند و دکتر کارل شمیدت با آنها هشدار داده است که در زندگی آینده ، کودکانشان با فاجعه بزرگی روبرو خواهند شد ، چنین فرزندان اگر ازدواج کنند ، خانواده بدبختی خواهند داشت ، اگر دست به هر کار اجتماعی بزنند مواجه با عدم موفقیت میشوند و دائماً در کارهای خود دچار ترس و هراس و وحشت هستند و بهمین جهت هیچ کاری را بتجو خوب و احسن نمی توانند انجام دهند .

این قبیل پدران و مادران باید رویه خود را عوض کنند و سعی نمایند که بتدریج کودکان خود را از نظر افکار و کارها آزاد و مستقل نمایند .



\* اگر بچه ها اشتباهی در کارهای فکری خود کردند آنها را مورد بازخواست و یا تمسخر قرار ندهید بلکه برعکس تشویقشان کنید که بیشتر فکر کنند و بگوئید که تا همین قدر هم که فکر کرده اند خوبست .

\* فرزندان خود را در برابر مشکلات و کارهای بزرگ تنها نگذارید زیرا چون مشکل و کاری، بزرگ باشد آنها از عهده آن برنمیآیند و آنوقت مایوس می شوند بلکه کارها و مسائل کوچک را بخود آنها واگذارید که با انجام آنها تشویق شده و عادت به